

کنگره وداع با "چپ"

* کنگره با چند شعار به ظاهرا چپ روانه تلاش کرد، تا راست روی خود را بپوشاند؛
 * استبداد فقهاتی برای آن برپاست، که بتواند منافع طبقات معینی از جامعه و غارتگری و بهره کشی آنها را تضمین کند!
 * ما یقین داریم، که سرنوشت سازمان اکثریت نه در کنگره ها و جلسات این چنینی، بلکه توسط اعضاء و هواداران مبارز این سازمان تعیین خواهد شد.
 * کنگره اخیر سازمان اکثریت با فراموش کردن امپریالیسم، انحصارات غارتگر، مبارزات زحمتکشان، خاموشی در برابر غارتگران، تجار بزرگ و ... عملا به یک دوران از حیات خود در جنبش چپ ایران خاتمه داد! (صفحات ۱۵-۱۳ را بخوانید)

انگلستان سکان ج.ا. را در اختیار می گیرد!

(صفحات ۶-۲، ۹ و ۲۳ را بخوانید)

انگلستان در جریان رقابت قدرت های بزرگ سرمایه داری برای تقسیم جهان بین خود، در پی تسلط استعماری بر مناطق تحت نفوذ سنتی خود در ایران، افغانستان، پاکستان و هندوستان است و برای رسیدن به این هدف از همان شیوه قدیمی تشدید اختلافات قومی-مذهبی استفاده می کند!

بازگشت آیت الله مهدوی کنی از لندن به تهران (بدنبال یک اقامت مهم و طولانی در انگلستان) و بدنبال آن سفر یک هفته ای نخست وزیر اسبق انگلستان، "ادوارد هیث" به تهران و ملاقات با همه بلند پایگان حکومتی، سرآغاز فصل جدید و آشکاری در مناسبات حکومت با انگلستان ارزیابی شده است. هیچکس مخالف مناسبات آشکار و علنی دیپلماتیک بین ایران با همه کشورهای جهان نیست، مگر بلند پایگان حکومت، که نفع خود را در مناسبات پنهان جستجو می کنند. بهمین دلیل باید آشکارا پرسید:

* حکومت کدام تعهد پنهان را به انگلستان سپرده است؟

* ادوارد هیث در تهران چه گفته و چه شنیده است، که دروازه های لندن و تهران به روی یکدیگر گشوده شده است؟

* آیت الله مهدوی کنی براساس کدام اختیارات و روابط داخلی و خارجی، پیوند پنهان حکومت را با انگلستان برقرار کرده است؟

* نقش مهندس "شریف امامی" لژ اعظم فراماسونری ایران، که در لندن با آیت الله کنی دیدار و مذاکره کرده، در این میان چه بوده است؟

در صورتیکه پاسخ آشکار همه این سؤالات در اختیار مردم قرار نگیرد، هر کس حق دارد، از موضع دفاع از منافع ملی ایران، تکران بند بازی ها، زدوبندها و سیاست بازی هائی باشد، که ایران را به گرداب بلند پروازی های جدید انگلستان برای بازگشت آشکار به مناطق تحت نفوذ تاریخی اش در منطقه می کشاند. انگلستان هرگز سیاستی را دنبال نمی کند، که برخلاف منافع امریکا باشد، اگر چه این سیاست ها در ظاهر تفاوت هائی با سیاست های امریکا داشته باشد. بنابراین باید از خود پرسید:

* آیا انگلستان قدرت یکپارچه مذهبیون قشری در ایران را نزدیک ترین راه حل برای تحقق سیاست های خود و نزدیک ترین متحدش "امریکا" می داند؟

در اینصورت، یورش جدید مذهبیون طرفدار سرمایه داری وابسته تجاری و روحانیت حامی آن به کتاب فروشی ها، لئو امتیاز برخی نشریات، تشدید تبلیغات علیه ملیون ایران، اعدام های اخیر اعضای حزب دمکرات کردستان ایران، تدارک بی پروای یک انتخابات فرمایشی به سود جناحیندی رسالت و جمعیت مولتولد اسلامی و در برابر جنبش آزادیخواهی مردم ایران و ... همگی بخشی از اجزاء سیاستی نیست، که طرح آنرا آیت الله کنی از لندن با خود به ایران سوغات آورده است؟ و بدنبال آن کارپدستان متصل "مافیای حجتیه" ذوق زده این روزها وارد لندن می شوند!

نامه امیر انتظام

از زندان

وزارت امنیت

(ص ۲۸)

حمله

نظامی- کامپیوتری

به ایران

(ص ۷)

"جبهه ملی" حزب نیست!

(ص ۱۸)